گزارش





صدای انفجار نارنجک نیممتر از جا پراندم! یاد ال پیش افتادم، خیابان دامپزشکی جایی ن طرفتر از جیحــون! انگار میــدان جنگ بود شب چُهارشُنبه سوري را مي گويم. هر سال همين است. گویی مراسم چهارشنبه باید در این قد و قُواره و با این اوصاف بر گزار شـود؛ مثل يك آيين! أز والجبَّات آين آيين هُم، تُركاندُن نارنجکهای دستساز است و ترقههای کوچک تر یا انداختن اسپری گاز (فندک) داخل آتش! صدای مهیبش، وحشت به تن آدم می اندازد.

صدای انفجار نارنجک نیممتر از جا پراندم! ا; همين نارنحکهاي دستسيا; که همه سياله ر تر کاندش در روزهای پایانی ســال، به امری واجب برای برخی بدل شده است، به یک تکلیف! در کنار تمام بدی ها و آزارهای این ترکاندن ها، تنها خوبیاش این اسـت که آدم حتی اگر حواسـش د، مى فهمد ماه پاياني سال اس اسفنداز زمانهای بسیار دور، حتی ایران پیش از اسلام، ماه نیکوکاری بوده و هنوز هم ه اسفند که هر چه به روزهای پایانیاش نزدیک تر می شویج، گویی چیزی در دل مان تکان می خور دو ما را به اندیشیدن وامی دارد. بخشی از مردم در این حبوحه، مے اندیشند که در این وانفسای اقتصاد، ے ـن دســت» چگونه و چطــور روزگار سبری می کنند؟ شاید همین عاملی می شود که . برخی هم و غمشان این است که این آخر سُالی، نیاز مندی را بیابند و احتیاجات مقطعی او را رفع کنند. می گویند: «همیشــه که نمی توانیم باری از دوش شان برداریم. این مقطع زمانیی را برای کر کر کا این کمک در نظر گرفته این شاید سال نو را در کنار خانوادهشان،شاد و سرحال آغاز کنند» از قدیم هم چنین بوده است. جایی نوشته بود در ایران پیش از اسملام، مردم از أغاز هرسال قلكهايي ر در خانه نگه میداشتند و در طول سال سکههایی را برای خیرات در آن می انداختُن چهار شنبه سال هم (همان چهار شنبه سوري خودمان) موعدی بود برای شکستن قلکهاا بر بامها، آتس می افروختند و خودشان بر بلندای بام درمی آمدند. قلکها را از آن بالا به پایین

نیکو کاری، معنای بســیار موســعی دار د و در نیدو تاری معنای بسیم ر موسعی دارد و ور چارت خاصی قرار نمی گیبرد. از نظر مادیمعنوا یک نهاد مدنی، هر چیزی که چرخهفقر را پایدار کند و به آن تداوم بخشد، از شمول کار نیک خارج است. یعنی هر چیزی که بتوانسد چرخهفقر را

بهنفع عدالت و برابری، برهم بزند، می توان گفت

باید این نخرس بهوجود بییند و مردم سبت به یکدیگره حساس شــوند کمک به بهبود کیفیت آموزش می تواند نوعی نیکوکاری موثر بهشــمار آلیدموضوع این است که آیا مامشار کتا اجتماعی راجزء کارنیک بهحساب می آوریم یا خیر؟ آن قدر ابعــاد و محــدوده کارنیک را کوچــک کردهایم

كه فقطٌ و فقط، أولين چيزي كه بــا حرفزدن از

کارنیک بهذهن هرکسے می رسد، این است که نیکوکاری یعنی بخشیدن چیزی، آن هم به یک انسان فرودست که هر آنچه فضار ابرای

مشار کت اجتماعی باز کند، می تواند از مصادیق کار نیک باشد و اگر دولتها چنین کاری را انجام دهند، بسیار نیکو کار تلقی می شوند.

بانداین نگرش بهوجود بیاند و مردم نس

میانداختند تابشکند و سکههایش نمایان شود. سکینان و مردم پاییندست جامعه هم به کوچه و خیابان می آمدند و سـکهها را دشت می کردند. فلسفهای کسه بسرای آتشافروختن، کردهاند نیز در سے در خود نهان دارد. آتش بر بام میُافروختَند که نیازمندانُ در روشنایی آن بتوان سکهها را بیابند، خودشان هم بر نام می شدند تا با نیازمندان چهره در چهره نباشند تا اگر مسکینی (یا هر کس دیگر) به سـکه نیازش باشد، خجالت ... از رودررویی با توانگران مانع دستیابی به سکهها نباشد! این اقدام به آن معناست که خیری اگر ۔ ســورت می گرفت، بــه معنی واقعــی «خیر» بود و خیران، قصد شناساندن خود بــه نیازمندان

برنامههای خـود را قطع می کنـد و برنامههایی را که در سطح شـهر و به این منظور بر گزار می شود، انعکاسمیدهد.» اسفنداست،ماه ت، ماه پایانی ســال! نیکوکاری انگار جزو ویژگیهای ذاتی آن است، حتی متولدینش!

بیان می کننسد، خرافه میدانن

همدرد، حســاس، مهربــان، بامحبــت، صميمح

و خوش قلب هســتند و زمانی که عزیزانشــان با

، -داما هر

۱۳۶۹ هر سال در اسفند ماه، در آستانه سال نو و عید نوروز، ۱۴ اسفند آغاز هفته ای است که با

ر ۔ نام نیکوکاری عجین است. از آن سال به بعد این

هفته، (که بیشتر جنبه دولتی دارد و تمام نهادهای مرتبط از جمله کمیته امـداد در بر پایی و بر گزاری

قد پای کار می آیند)، پاس داشته می شود و رادیو و تلویزیسون هم روز اول این هفت، روال عادی

مُ أَنْ و جمع أورى كمك هاى مردمي، تمام

. . فند حالا جلوه دیگری از نیکو کاری را در خود می بیند؛ به ویژه در ۲ دهه گذن سال ۱۳۶۹ هر سال در اسفد، ماه در آنجا و سوالی به در این در مدرد. اغز از ماه در اغز از مدرد اغز از همتمای است که با نام نیکوکاری عجین است. از آن سال به بعد این هفته، پاس داشته می شود و رادیو و تلویزیون هــم روز اول این هفته روال عادی برنامههـای خود را قطع می کند و برنامههاییراکهدرسطحشهروبهاینمنظوربرگزارمیشود،انعکاسمیدهد.»

ین استعمایه خور صبیحی خرایستی به استعمام خروی بودن خراعیه بیستور از صر سی و عاطفی واز روی غریزه زندگی می کنند تا عاقلانه و منطقی. آنها هیچ گاه در خساسی و منعفی و رز روی مریز در سی می حد ---- در از ار تباطات شخصی خودشان خود پسندانه و قران یکنند و در دوستی ها بیشتر دهنده هستند تا گیر ندود و -- اسفند منوز مهرهست. چند روز دیگر به پایان می رسد. ی گویند ماهنیکو کاری است. هر چه باشد نام این ماهبانیکو کاری عجین است امابر خی به آنچه در این ماه می گذرد، نقددارند.

> نداشتند. خيري كه در عهد معاصر، البته گاهي با ت و کار نیک و کمک به همنوع قبل از انجام، هیاهو و سر و صدایش، بلند می شود. صدایی که گاهی هر جا می روی، بلند است. صدا، صدا و صدا... صدای اُنفجـار نارنجک نیم متر از جا پراندم! انگار ماه پایانی سال است. اسفند! ماهی که از گذشته تاکنون ماه نیکو کاری بوده و هست. حتے در همان جشن پنجمین روز از ماه اسفند (اسپند) یا اسفندگان که از بانوان قدردانی میشده نیز رد پای پاسداشت از نیک خصاتی، نیک صورتی و

> نیک کاری دیده می شود. اسفند حالا جلوه دیگری از نیکو کاری را در خود میبیند؛ بهویژه در ۲ دُهه گذشــته «از سال

عدہای ویژ گے ہاہے , ا کہ ہے ای متولدین ماہھای

چه که باشد جالب اینجاست که در ویژگی های . تولدین اسفند هم ویژگیهایی ذکر شده که این معنارا به ذهن متبادر می کند. «متولدین اسفند ماه به نسبت متولدیس ماههای دیگسر زیاداهل تظاهر نیستند و عادی تر از متولدین ماههای مر داد، أبان و بهمن هستند. آنها صاحب سرشتي ملايم، معتدل و خوشایند هستند. آنها دارای ویژگیها و خصوصیات سـخاوتمندانه بیشــماری بوده و بت به احساسات و عواطف اطرافیانشان دلسوز،

نیکوکاری،مواجه میسازد.» . ر رک بری نقدهای بیشـــتری به این موضوع وارد است که بیشتر آنها از لحاظی چند، مورد قبول است. ورود دولتها به موضوعات اینچنین، بیشتر سادهانگاری را رواج میدهـد.اگر مردم (ممکن اسـت بگویی وقتش را ندارند) خود در پی یافتن نیازمندان باشند و وضع عمومسي زندگي آنها را مشساهده كنند به احتمال، رغبت بیشتری برای کمک به نیازمندان پیدا خواهند کرد. به احتمال آنها دیگر صرف کمک مالی را به عندوان نیکو کاری نخواهند شناخت و \_اُهده وضعُ واقعــي زندگي نيازمنــدان آنها راً به سـوى انجام نوعى وظيفه انسـاني، مسئوليت اجتماعــی و مشــار کت مدنی پیــش خواهد برد. دولتها حامی خوبی هستند اما ورود آنها به این موضوع، می تواند حد نیکوکاری را تا کمک چند ۱۰ هزار تومانی مالی تقلیل دهد و به جای این که از نیکوکاری برداشتی در حد مسئولیت اجتماعی

صدای انفجار نارنجک،نیم متر از جا پراندم ...

سُكلى مواجه مىشوند، حداكشر ملاحظه و همسدر دی را از خود نشسان می دهنسد. متولدین مصدری را از حود نستان می دهند. معاده سده اخروی اسفند بهطور طبیعی گرایشی به سمت اخروی بودن دارند، بیشتر از نظر احساسی و عاطفی و از روی غریزه زندگی می کنند تـا عاقلانه و منطقی. ... آنها هیسج گاه در ارتباطات شسخصی خودشسان خودپسندانه رفتار نمی کنند و در دوستی ها بیشتر هست. چند روز دیگر به پایان میرسد. می گویند ماه نیکوکاری است. هر چه که باشد نام این ماه با نیکوکاری عجین است اما برخی به آنچه در این ماه می گذرد، نقد دارند. می گویند: «این که این همه صفت خوب ازجمله نیکوکار شدن مردم را به يك ماه مختص كنيم، زيان أور است. مردم گمان می کنند همین که بیایند و مُبلغی به نیاز مندانی که نمی شناسند، کمک کنند وظیفه شان به پایان

ه؛ اما اینطور نیست. اولُ از همه باید دولت را از ورود به این مباحث دور نگه داریم. دولتی ها باید بدانند ورودشان به موضوع نیکوکاری که زیر مجموعه اخلاق و مسئوليت اجتماعي است، هم باعث می شــود برخــی از حضور در ایــن نوع امور خمودداری کنند و هم مردمی را کمه در این نوع امور شركت مى كند، با نوعى برداشت ساده از

و مشارکت مدنی داشته باشیم، این موضوع محدودسازی»میشود!

موضوع شدهاید که کن نفع نیازمندان برگزار شده و فیلمهای زیادی به اکران نفع بیازمندان بر دور سده و دینههای زیمی به سرت در آمد که عوایدش به نیاز مندان رسید نیاز مندانی که بیماران سرطانی راشامل می شد تاکسانی که بدلیل دیه در زندان بودند یا نیازمندانی که در خرج زندگی خود مانده بودند به همین دلیل معتقدم که اشکال نیکُوکاری در این سال ها تغییر کرده است. دیگر تنها پول نیست که به کمک نیاز مندان می آید. هر کس به هر طریقی سعی می کند تا گرهای آز مشــکلات باز کند.البته این اتفاق از جهتی خوشــاینداست و از جهتى ناراحت كننده خوشا ينداست چون نز ديك تر شدن افراد جامعه را در پی دارد. در واقع نشان می مسئولیت اجتماعی، بهخصوص آن جایی که هر شــهروند در مقابل شهروند دیگر مسئول است، به ، نتبديل شدهامانار اُحت كنندهاست چون نشان ر صیحہ بدیں سال ہا ما ہر روز نیاز مندان بیشتری میدھد در این سال ہا ما ہر روز نیاز مندان بیشتری

نگاه شهروندان به جشن نیکوکاری راههاینیکوکاری گستردهتراز گذشتهاست

> طرحنو سالی دوبار برپامی شوند. پایگاههایی که کمک های نقسدی و غیر نقدی مسردم را برای کمک به نیاز مندان می پذیر ند و آنها را به دست نیاز مندان می رسانند. حالا سال هاست روزهای

> پایانی سال و روزهای پایانی شهریور را به این عنوان می شناسیم. به عنوان روز ها پسی که در

> آن می تـوان به فکـر دیگـران بود. ایـنروز طی سالیان سال، در کنار ضعف جامعه مدنی و انفعال

انجمنهای مردمنهاد، توانسته ضعف های بسیاری را در این راستا جبران کند. با این حال وقتی ر د برای در در می از این روز می شود، همــواره مخالفان و موافقان زیادی به نقد و تعریف از آن می پردازند. در این میان بیشــترین نوع انتقادات به این روز،

مدولتی بودن آن بازمی گردد. این که شاید یک

راهدایت کنند. با این وجود تعیدادی نیز بر این

عقیدهانسد کسه چنیسن روزی تأثیر بسسیاری در نهادینه کردن فرهنگ مسئولیت پذیری وکمک به

دیگران می تواند ایفا کند، هر چند امروزه راههای نیکوکاری بسیار گسترده تر از گذشته شده است.

درباره ایسن روز و تاثیرات آن در نگاه مردم، پای

صحبت تعدادی از شهروندان نشستیم. مشروح نظرت شهروندان درباره «نیکوکاری و...»در ادامه

هیترا»، دختر جوانی است که خودش می گوید، بارها در جشس نیکوکاری شرکت کرده است. او از این روز (روز اول هفته نیکوکاری ۱۴ اسفند) با عنوان

خاطرهای خوش یادمی کند. خاطرهای که به روزهای قبل عیدش در زمان کودکی آب و رنگ دیگری

می داده است. او در این زمینه می گوید: «وقتی بچه بودم بیشتر به جشس نیکوکاری کمک می کردیم.

اصلا یکے از ذوق ہایے کے برای عید داشتہ این

. روی ر. می دهم بیشتر به خیریه هایی که می شناسم کمک کنم تا

ن سی این کهبهجشن نیکو کاری بروم

بین فکر کنم دیگران هم مثل من،

قبلا خیلی ہے دولتی بودنش فکر نمی کردیم اماالان که

دیگر خودمان می توانیم کسی

كمكفقطمالىني

دولت و ارگانهای دولتی، نباید چنین مراس

د می رژ. که باما همراه شده است. از سال ها پیش نزدیکی های ىيدتلويزيونشروعمىكردبهتبليغكردنبراي اين كا خاص وویژه است و سعی می کنم حتی با مبلغ ناچیز، این است نه عیر از نصیت امنحه به محمی دیدری ----وارد عمل شده اند تا در روزهای آخر سال کاری برای نیاز مندان کنند، بازارچههای

كمككردنسهلالوصول میشودوبهانههابرای ندانستنمکانکمکهاوسایر چیزهانیزبرداشتهمیشود. چیزهاییربرد...... ازطرفدیگر چنینرروزی، مصورتخواستهیاناخواسته به صورت خواسته یانا خواسته قابلیت فرهنگ سازی بالایی داردومی تواندبر بچهها اثر گذارباشد

" که واُقعا نیاز دارد را پیدا کنیم، خودمان کمـک میکنیم. به نظرم قبلا كه اين جور ارتباطها نبود، ایسن روز، روز خُوبی بود. بههرحــال یکجــور فراخوان استُ که دم عیدیاد بیُ بضُاعتُ هابیفتیم امااگر کس خودش چنین دغدغهای نداشــته باشــد، فکر نک کمکی بکند. هر حقدر هیچر وز تعیین کنیم، تاثیری ندارد؛ مگر این که آدمها واقعا خودشان، برایشان مهم باشد که به دیگران کمک کنند. یکچیز دیگر این که بست جشن نیکو کاری ممکن است یک جور مردم رامحدود کند به این که فقط کمک مالی کنند. در حالی که اگر سب بی سب سب می در ست و بی سب در سی در بر درستفرهنگسازی شود، می فهمند که وقتی هم توان مالی نداشتند، می توانند از طرق دیگر مثلا این که در کارها به کسبی کمک کنند، در این زمینه مشار کت

كنندواين تنهامنوط بهروز مشخص يانوع مشخ «فرنوش» ۲۷ساله، معتقد است که امروزه شاید کمککردن و طرق آن بسیار گسترده تر از سابق شده استوازأین رُودیگر مردم دستشان برای کُمک کردن بسیار بازتر است. او می گوید: «شاید تا ۵سال گذشته تصور غالب درباره این که چه زمانی می توان به اقشار نیازمند کمک کـرد، تنها به هفته کــوکاری آخر سال یا مهرماه ختم می شد و مردم در این ماه بیشتر به تکایو مے افتادند تا به همنوعان خود کمک کنند، ت بت زمان و فشارهای اقتصادی زیادی که فته فته بیشتر شدو جامعه را با خودش در گیر کرد، نیکو کاری وانجام کار خیر شدت بیشتری گرفت و در نمام طول سال به هر نحوی مردم را با خودش در گیر کرد.اگر به اخبار ســرک بکشــ

# مردمش به سمت فقر حرکت کند در دبزر دی است که لذت کار خیر را کم می کند و به در دهایمان اضافه تبليغاتموثر

داشـــتهايمُ. اين كه يك جامعُهُ بُهجاًى غنى تر كردن

ہ ۔ یہ جست بہ بھی سی ہر ہر۔ مت فقر حرکت کند دردبزر گی اس

" سعید» نیز این مراسم را مراً سمّی قدیمی می داند و می گوید: «جشن نیکوکاری سال های زیادی است بتوانیم خوشیهای روزهای آخر سالمان را با دیگران شریک شویم شاید تأثیر همین تکرار و تبلیغات بود که باعث شد همیشه به روزهای آخر اسفند نگاه دیگری داشته باشم. از بین تمام اتفاقات سال، این هفته برایم نشان دهم که به فکر نیاز مندان هستم تنها تفاوتی که هفته نیکوکاری این سال ها با ۱۰سال گذشته کرده، این است که غیر از کمیته امداد، نهادهای دیگری هم

۔۔۔ بود.اما حالا آنقدر که اطلاعــات خیریهها در فضای مجازی زیاد شـــده که ترجیح میر خیریهای که برگزار میشود، تنوع زيادي بهوجود أورده ، باعــث شــده تـــا زمینههای كُمك كردن متفاوتُ باشد. فكر مىكنم تبليغات درباره اتجام دادن کار خیر باعث شده نا هر کســی نتوانــد بهراحتی ا: کنا, این هفته عیبو، کند و . سعی می کند در حد توان خود بهنیازمندان کمکی کردهباشد ىئولساز سمىلىكىنەمى

«رسول»نگاهشبهبر گزاری ر رک جشنهایی چون جشن نیکوکاری مثبت است. ا اینزمینه می گوید: «حداقل قابلیت این روز این اس آدمهایی که در طول سسال به صورت مسدّاوم در گیر زندگی خودهستندو گاهی بهدلیل این کهوقت ندارند ر۔ ــتند و نمی توانند کمک ر -- عی حر-----در --ع یا دارای مشغله ذهنی هس . گنند، به این کارنمی پردازند، در این روز به فکر کمک به همنوعان خودمی افتند و در حقیقت این روز دوباره به مردم معرفی می شود. نکته مثبت دیگر آین رُوز نیز در این است که کمک کردن سهل الوصول می شود و در بین است به حمت برخان شهن موصول سی سود و بهانه ها برای ندانســـتن مکان کمکـها و سایر چیزها . بیز برداشـــته میشــود. از طرف دیگر چنین روزی، بهصورت خواسته یا ناخواسته قابلیت فرهنگسازی بالایسی دارد و می تواند بر بچه ها اثر گذار باشد. برای مثال، من خُود از این روز در دوران کُود کیام خاطرات بســیار زیادی دارم. وقتی بچه بودم، مادرم هدایایی را که میخواســتیم.اهدا کنیم، بــه خودمان میداد ر تا بپیچیمش و این خود توانست بهنوُعی اح بهپیچیس و این خو توسیت بوطی م مسئولیت اجتماعی را در من به وجیون اورد امال طرفی، مشکل دیگری که چین روزهایی دارنداین است که هنوز از قواره مناسبت دولتی خارج نشده و همچنان می توان به عنوان یک کار سمبلیک از آن نام ردنهروزیبرای قبول مسئولیت اجتماعی در حقیقت رر رزرانی است که می گوییم کمک کردیم و تمام شد و درواقع نتوانسته آن طور که باید و شاید درون زا

## **جلوه ساده نیکو کاری، به نفع جامعه نیست**

ثرياعزيزيناه | عضوهيأتمديرهانجمن حمايت از حقوق كودكان |



و كمال در جامعه اجرا كنند اگر اين بحث را دولتها،مثل هرارگان زنده دیگری،می خواهند برارخود را کم کنند شاید آن زمانی که هفته نیکو کاری را وضع و وارد تقویم می کردند، گمان کرده باشند که با جذب مشارکت فعال جامعه، فُقط بهعنوان یکی از مصادیق نیکوکاری در ذهن داشتهاند، خوب است؛ اما نباید همین باشد و بس. داشته اند، خوب است؛ اما نباید همین باشد و بس. نباید این نگرش، به رویه تبدیل شود. نگرشی که مدام یک عده را فرودست نگاه دارد. عدهای که مدام یک عده را فرودست نگاه دارد. عدهای که زمان مدرسه رفتن و سال نو، باید دست دراز کنند، فقط در امر جمع آوری کمکهای مالی و بعضی از هدایای غیرنقدی، می توانند نیکوکاری را تمام

این خیلی خوب نیست. اینها کار دولت هاست که از یی یایی لحاظ ساختاری، چنین موار دی را کاهش دهند.اما مشار کت مردمی هم اگر باشد، خیلی خوب است. همچنان که در همه جای دنیا مرسوم است. اما کمکهای آنهابیشتر در پیشبردامر آموزش است. ساختن فضاهای آموزُشی، ساخُتن بُیماُر ستانهاو مراکز بهداشتی و درمانی، بر همه چیز اولویت دارد. این که وقتی کسی مراجعه می کندو شما به او پول بدهید و او را همواره به خود وابسته نگاه دارید، گرچه کارنیک است، اماهمه آن نیست.

ر پی در بید سده... تبلیغ دولتها و رسانهها در این زمینه می تواند بسیار کارآمد باشد. شما در سراسر دنیا می بینید که چیزهای ناصواب را باابزار رسانه و تبلیغ، صواب و موجه جلوه می دهند. نباید بگذارید افراد گمان کننداگــر ماهی ۵۰هزار تومان پــول بدهند و به دیگران کمک کنند، دیگر وظیفه شهروندیشان تمام شده و نیکوکاری را به ســرانجام رساندهاند. به نظرم در این سال ها، دولتها، کار نیکوکاری ۱٫ خیلی ُساده جلوه دادهاند و این ساده کردن ُ، اه

### ادامه از صفحه ۹

## لازماماناكافي!

در این بین لازم است، حکومت علاوهبر این که در یک روز خاص کمت مردم راطلب و آنها را به چنین میدانی دعوت می کند، به فکر توسعه نهادهای همعرض هم باشد. منظورم از نهادهای همعرض، صرفا ایجاد یک سازمان مدون برو کراتیک نیست. منظور نهاد اجتماعی است که نوعی اندیشه را بنا کند به اعتقاد من، اگر بناست مردم در این زمینه مشاركت حدى داشته باشند بالخريناسة بگیرندوفرهنگ کارخیر تعیّنواقعی پیداکند،وجود بمرردوورهنت دارخیر میدن واقعی پینا ندنووجود یکروز و یک مناسبت خاص کافی نیست مردم باید معمدتای واقعی کامه ترغیب شوند علاوم بر ضور در چنین عرصهای، خودشان نهادهایی ایجاد کنند که مسأله کمکراپیگیری کنند امروز دولت بــا راهاندازی ســازمانهای متنوعی امروز دولت بــا راهاندازی ســازمانهای متنوعی

چون کمیته امداد، سازمان بهزیستی و از سوی دیگر راهاندازی بنیاد مستضعفان و بنیاد شهید بعصورت خاص، به افرادی که نیاز مند هستند در زمینه مالی و مواردی مشابه خدمات ارایه می دهد. این کار در جای خود بسیار نیکو و پسندیده اما در همه دنیا این امر اثباتُ شده، پُروسهُ كُمككردن به مُردم و خاصة

نیازمندان اگر در اختیار حکومت قرار بگیرد و صرفا منوط بــه پرداخت اعانه مالی باشــد، خیلــی زود از محتوا خالى وبه يک عادت تبديل مىشود بنابراين محتواحایی و به یک عادت تبدیل می شود بنابراین مسـالهای که بنا بوده در درازمــدت به خیر عمومی مبدل شود، بهصورت رفع تکلیف خودنمایی می کنند البته منظورم آن نیست فرایندی که امروز در جامعه درحال اتفاق افتادن است، به رفع تکلیف منتهی شده ر زیراشور وشوق مردم هر روز بیش از روز قبل است. با این وجود اما جهت گیری ها در این زمینه باید تغییر ر ر . . . . . بهم میری هدر این زمینه باید تغییر کند. در کنار فعالیت هایی که در هفته نیکوکاری (۱۴ تا ۲۱ اسفندماه هر سال) در حال انجام است، باید به این منف - . . این موضع هم بیندیشیم که مردم نباید با روشهای ماكمان كننداكر دراين زمينه كمكي أنجام ندهند، کار خیرباید تعطیل شود. به بیان دیگر، چنین نهادهایی باید تبدیل به یک نهاد تمام عیار اجتماعی شوندو درقالب سمن هابه کار آینداجرای این فعالیت باید به عهمه خودمردم سرده شود و POR هابستر لازم برای آن را فراهم کنند. البته در چندسال اخیر دولتی هاهم به این موضوع اذعان کردهاند اما در مقام عمل عملکر در ضایت بخشی از خودنشان ندادهاند